

# رابطه مسائل حقوقی جدید با مفاهیم قرآنی

مجموعه مقالات علمی-پژوهشی

## چکیده

در گذشته موضوعاتی مورد توجه حقوق دانان اسلامی بوده که مورد ابتلای جامعه آن روزگار بوده و هم اکنون موضوعاتی بر آنها افزوده گشته یا از آنها حذف شده است.

اگر روزگاری مسئله آب قلیل و کثیر به دلیل کمبود آب سخت مورد توجه فقها بوده امروزه با فراوانی آب چندان مورد توجه نیست و بالعکس اگر زمانی روابط و داد و ستد در محدوده جهان اسلام و میان مسلمانان متداول بوده و فقیهان سرزمینهای بیرون از حکومت اسلامی را دارالحرب می نامیدند. امروزه در جهان، سخن از روابط حسنه و همزیستی مسالمت آمیز و حقوق بشر و تجارت جهانی است و عصر اطلاعات روابط میان ابناء بشر را امری ضروری ساخته است و به تبع این امر، حقوق و تکالیف و جرائم جدیدی به وجود آمده که باید فقها با ابزار فقهی به آن نگرسیه و حکم هر مورد را بیان نمایند.

اولین و اصیل ترین منبع حقوق اسلامی قرآن کریم است؛ و همین امر اقتضا می کند تا مسائل حقوقی جدید بر آن عرضه شده و پاسخ لازم دریافت گردد.

در این نوشتار، مسائل جدیدی چون حقوق بشر، زنان (با نگرش جدید) روابط بین الملل، موضوع لغو مجازات اعدام و نظایر اینها که در جامعه بشری مطرح است برای جلب توجه محققان به ارائه بحثهای جدید در این موضوعات، عنوان شده است.

کلید واژهها: قرآن، فقه، حقوق، فقها، آیات الاحکام، جامعه بشری.

## سئوال اصلی

سئوال اصلی و اساسی در این مقاله آن است که آیا قرآن مجید به مسائل جدید نگرشی

داشته و اگر پاسخ مثبت است این نگرش چگونه بوده است.

### فرضیه

در پاسخ سؤال یاد شده عمدتاً دو فرضیه مطرح است، یکی آنکه گفته شود قرآن به همان نحو که موضوعات و مسائل زمان وحی را در نظر داشته و بدانها پرداخته است، موضوعات دیگری را هم که در آن زمان مطرح نبوده و بعداً، می‌بایست مطرح گردد مورد توجه قرار داده و احکام آنها را بیان کرده است.

پاسخ دیگر نفی فرضیه نخست است. البته این نفی می‌تواند جنبه عمومی و یا جنبه تفصیلی و تبعیضی داشته باشد، بدین معنا که در قسمتی از موضوعات پاسخ منفی باشد و در پاره‌ای مسائل مثبت.

در نوشته حاضر بیشتر بر فرضیه دوم تکیه شده و نویسنده می‌خواهد این فرضیه را اثبات کند که قرآن مجید در بعد شریعت و بیان احکام، تک‌تک موضوعات مطروحه در جامعه بشری حتی آنچه در زمان نزول وحی هم وجود داشته را -مورد توجه قرار نداده و بالعکس بعضی از موضوعاتی که مورد عنایت قرار گرفته مختص به جامعه عرب بوده یا لااقل در بعضی جوامع اسلامی مطرح نبوده است.

همین جا یادآور می‌شود که این امر به هیچ وجه منزلت و عظمت قرآن کریم را زیر سؤال نمی‌برد، چه بزرگی قرآن در پیام و اعجاز آن از لحاظ دیگری مطرح است نه به لحاظ تعرض آن به تک‌تک موضوعات یا بیان احکام خاص موضوعات جامعه عرب آن روز.

### بیان مسئله و اثبات فرضیه

#### ۱-۱- قرآن و مسائل جامعه زمان نزول وحی

قرآن مجید همانند دیگر پیامهای اصلاح طلبانه به اقتضای مسائل مطروحه در جامعه‌ای که با آن روبه‌رو بوده، مسائل بینشی یا حقوقی را بیان داشته و به همین جهت بر نفی ناهنجاریهای موجود در آن جامعه چون زنا و ربا و کم‌فروشی (در بعد روابط اجتماعی و حقوقی) و شرک و ناباوری به روز واپسین (در بعد بینشی) تأکید فراوان دارد. از سویی از

بعضی ناهنجاریها که در کنار ناهنجاریهای مطروحه در قرآن به ذهن تداعی می‌شود، نامی برده نشده یا صرفاً به ذکر زشتی آن اکتفا گشته بدون آنکه بر آن تأکیدی ورزیده شود.

فی‌المثل در کنار مسئله زنا، همجنس‌گرایی و عمل لواط به ذهن تداعی می‌شود یا در کنار کشتن افراد، قتل مخفیانه و پنهانی (که این روزها تحت عنوان ترور مطرح است) به یاد می‌آید. اما قرآن مجید در موضوع نخست به ذکر عمل آن هم از قوم لوط و تقبیح آن، اکتفا کرده<sup>۱</sup> در حالی که حفظ فروج<sup>۲</sup> و دوری از زنا<sup>۳</sup> و یا امکان حامله شدن زن از مردی و به دروغ آن فرزند را به مردی دیگر منتسب کردن (ناهنجاری که جامعه جاهلیت بدان مبتلا بوده و از آن با نام بهتان یاد می‌شده)<sup>۴</sup> تأکید ورزیده است.

تأکید فراوان بر روابط غیر اخلاقی زنان و مردان حکایت از وجود چنین ناهنجاری در جامعه زمان حضور پیامبر می‌کند و چون عمل لواط و همجنس‌گرایی از پدیده‌های نامیمون جوامع متمدن است و اعراب بدان مبتلا نبوده‌اند، آیات قرآنی نشان نمی‌دهد که مخاطبان آن روزگار گرفتار چنین عملی بوده باشند.

از سویی آدم‌کشی که بعد از شرک به خدا بزرگترین گناه در منطق اسلام است، در قرآن تقبیح و منع شده و جزای آن مخلّد بودن در آتش جهنم و غضب و لعنت خدا قرار داده شده است.<sup>۵</sup>

وقتی سخن از قتل به میان می‌آید ترور و کشتن از روی حیله به ذهن خطور می‌کند ولی در قرآن سخنی در این خصوص به میان نیامده در حالی که ترور همان نتیجه را دارد که قتل علنی. آن تأکید بر احتراز از قتل و این ناگفته گذاشتن ترور حاکی از وجود قتل‌های علنی و فراوانی آن در میان اعراب است چنان‌که آیه ۳۶ از سوره اسراء، اسراف در قتل را نهی کرده است و این می‌رساند که اعراب به تلافی خون به ناحق ریخته شده دست به کشتار قاتل و نزدیکان او می‌زدند و خداوند در این آیه حق قصاص را به ولی دم داده و دیگران را از خونخواهی منع کرده است.

این آیه به نحوی منعکس‌کننده وضع اجتماعی اعراب در کشتن یکدیگر بوده و در تاریخ

آمده که کشتن و غارت یک امر علنی و موجب افتخار مرتکب آن بوده و به همین جهت کمتر شنیده شده عرب دست به ترور و قتل مخفیانه بزند، چنانکه دزدی مخفیانه هم موجب ننگ بوده ولی غارت که همان دزدی است منتهی به صورت علنی، موجب مباحات.

از پاره‌ای آیات برمی‌آید که چون سئوالی شده خدا با زبان وحی بدان پاسخ داده است و همین امر می‌رساند که با طرح پرسش پاسخ آن هم طرح شده و شاید اگر سئوالی مطرح نمی‌شد نیازی به پاسخ‌گویی هم نبود.

در احکام ارث، آیه ۱۷۶ سوره نساء حکایت از پرسش مردم دارد که خداوند به پیامبر می‌فرماید: «به مردم بگو که خدا فتوا می‌دهد» و یا در آیه نخست از سوره مجادله آمده است که «همانا شنید خدا سخن زنی که با تو مجادله می‌کرد در (خصوص) شویش و شکایت می‌کرد به خدا و خدا می‌شنید گفتگوی شما دو تن را که همانا خدا شنوا و بینا است.» در پی این آیه خدا حکم ظهار را بیان داشته است.

نزول وحی در پی چنین رخدادهایی به خوبی می‌رساند که پاره‌ای از احکام به دلیل وجود موضوعات و مسئله‌دار شدن آنها در قرآن آمده و نیز بعضی از احکام مخصوص جامعه عرب بوده و برای جوامع دیگر مفهوم نبوده است، مانند حکم «ظهار» که چند آیه از سوره مجادله را به خود اختصاص داده است.

#### ۱-۲- چگونه بهره‌گیری فقها از آیات قرآنی

فقها قرآن را اصیل‌ترین و اولین منبع استنباط احکام می‌دانند و به همین جهت برای آنکه معلوم شود احکام فقهی یا مشروعیت کاری چگونه در قرآن آمده قسمتی از آیات قرآن را به عنوان آیات الاحکام دسته‌بندی کرده و کتبی در این خصوص نوشته‌اند.

گروهی از فقها به ترتیب آیاتی که در قرآن از ابتدا آمده احکام شرعی را استخراج و بیان کرده‌اند<sup>۶</sup> و گروهی دیگر به ترتیب ابواب فقهی و با تبعیت از کتب فقهی آیات مربوط را مرتب کرده‌اند.<sup>۷</sup>

برداشت عالمانی که دست به چنین کاری زده‌اند از آیات قرآنی متفاوت است. به عنوان نمونه فاضل مقداد در کتاب کنز العرفان از آیه «فالتقطه آل فرعون» (قصص ۷) یا از آیه «يلتقطه بعض السیارة» (یوسف/۱۰) بهره برده در حالی که این دو آیه هیچ حکمی را بیان نمی‌کند<sup>۸</sup> و به همین جهت مرحوم مقدس اردبیلی دلالت این آیات را بر مشروعیت لقطه بعید می‌داند.<sup>۹</sup> بدیهی است آیاتی در قرآن وجود دارد که به صورت نص یا ظاهر بیان کننده احکام است مانند آیات ارث و یا حرمت بعضی از افعال یا بعضی از اشیاء یا حلّیت آنها. در این آیات چندان اختلاف برداشتی وجود ندارد.

همچنین برداشت فقها و مفسران از معنای بعضی از واژه‌های قرآنی که موجب اختلاف نظر در حکم می‌شود از موضوع بحث فعلی خارج است.

به عنوان نمونه در آیه شریفه ۴۷ از سوره نساء یکی از موجبات تیمّم (در صورت نبودن آب) تماس با زنان ذکر شده و برداشت فقها از واژه «لمس» متفاوت است و لذا شافعیان لمس زنان اجنبی را به هر صورت موجب بطلان وضو می‌دانند در حالی که ابوحنیفه در موارد استثنایی چنین تماسی را موجب بطلان وضو دانسته<sup>۱۰</sup> و فقهای شیعه در صورتی وضو را باطل می‌دانند که زن و مرد نزدیکی نمایند.<sup>۱۱</sup>

اما اینکه گروهی کوشیده‌اند تا پاره‌ای از موضوعات را که روا بودن آنها مورد تردید نیست به نحوی مستند به آیات قرآنی کنند و گروهی در مقابل، منکر چنین استنادی بوده‌اند، حاکی از این امر است که قرآن حاوی همه موضوعاتی که فقها بدان پرداخته‌اند و نیاز جامعه هم ایجاب می‌کرده تا مورد کنکاش قرار گیرد نمی‌باشد.

### ۱-۳- آیا می‌توان از آیات قرآن احکامی برای موضوعات جدید یافت

وقتی گفته شد که فقیهان و مفسران از آیاتی برای اثبات حکم یا مشروعیت کاری استفاده کرده و گاه چنین استنادی چندان با ظاهر آیه سازگار نبوده، باید قبول کرد که این راه بر دیگران و نسبت به موضوعات دیگر هم مسدود نیست و می‌توان از عموماً قرآنی برای پاره‌ای از موضوعات حکمی استخراج کرد.

گرچه الفتی که «تفکر فقهی» با گذشته و استنباط بزرگان سلف داشته چندان این کار را سهل نمی‌پندارد، به خصوص که کار پیشینیان از نوعی تقدس برخوردار است و گاه چنین به نظر می‌رسد که آنان ناگفته‌ای برای خلف خود به جا نگذاشته‌اند، اما نباید از یاد برد که آنچه پیشینیان در باب فقه از قرآن و سنت استخراج کرده به تدریج و با طرح مسائل جدید بوده و این مسائل می‌توانسته و می‌تواند با افزایش موضوعات توسعه یابد و یا با از بین رفتن موضوعات به دست فراموشی سپرده شود - چنان‌که مسئله برده‌داری و احکام آن در جوامع فقهی فعلی مطرح نمی‌شود.

موضوعات تازه‌ای که اینک در جامعه زبانزد حقوق‌دانان است، می‌طلبد تا فقیهان به استناد آیات قرآنی حکمی برای آنها بیابند یا جزء امور مسکوت و بدون حکم تلقی کنند.<sup>۱۲</sup> بدین ترتیب اگر از آیات قرآن برای موضوعاتی که هم‌اکنون مطرح است و در زمان نزول وحی و حتی مدتها پس از آن مطرح نبوده، حکمی استخراج شد نباید آن را سخنی دور از منطق دینی و گزارف تلقی کرد.

به عنوان مثال اگر سودی که بانکها یا دولت به سپرده مردم می‌دهند یا هنگام قرض دادن پول به مردم، جهت توسعه کار و رفاه بیشتر، بهره‌ای از آنان دریافت می‌نمایند را از مصادیق ربای مذکور در قرآن ندانیم بدان جهت که ربای مذکور در قرآن ناظر به داد و ستد میان اشخاص حقیقی است که طبعاً تکلیف هم دارند در حالی که اشخاص حقوقی که بدون تکلیف (حدافل عبادی) می‌باشند از شمول تحریم ربا بیروند، حکمی قابل توجه و اقتراحی مناسب با زمان است.

## ۲- چه مسائلی را باید بر قرآن عرضه کرد؟

جامعه بشری در دو بیست سال اخیر با شتابی در مقیاس تصاعد هندسی توسعه یافته و به نسبتی که بر طبیعت مسلط شده و به دنبال آن گشایش و رفاه در زندگی آدمیان را فراهم کرده، نارواییها و جنایاتی را هم دامن زده و همین تقابل نفی و اثبات و جذب و دفعی که تمدن و مدرنیته داشته و دارد، حقوق‌دانان و متفکران را بر آن داشته تا روابط انسانها را به

نحوی تنظیم کنند تا از دستاوردهای نیک حداکثر استفاده به عمل آید و تا جایی که امکان دارد از کارهایی که بالمآل بشریت را به ورطه هلاکت و ناخرسندی می‌کشاند جلوگیری کنند و این هدف، مقولات تازه‌ای را در بحث حقوق و جرایم به وجود آورده است. فقه اسلامی هم چون مدعی اداره جامعه است - چنان‌که بیش از چهارده قرن از عهده این کار برآمده - نمی‌تواند در این راستایی تفاوت باشد و باید مسائل حقوقی عمده مطروحه در جامعه را بر قرآن عرضه داشته و پاسخ آن را در اختیار دینداران و حکومت‌های دینی قرار دهد.

پاره‌ای از این مقولات تازه عبارت است از:

۱- حقوق بشر.

۲- حقوق زنان.

۳- مسئله اعدام.

۴- آزادی عقیده.

۵- روابط میان ملتها.

۶- آزادی اجتماعی.

۷- تجارت جهانی.

۸- شخصیت حقوقی.

۹- وظایف دولتها.

۱۰- جرایم جدید (مانند جرایم اینترنتی).

۱۱- حکومت جهانی.

لازم است اندیشمندان و محققان در این موضوعات کندوکاو نموده و با استناد به آیات قرآنی مباحثی راه‌گشا را عرضه کنند.

## پانوشتها

«خداوند حدودی را تعیین کرده؛ پس نباید از آنها تجاوز کنید و فرائضی را مقرر داشته پس نباید بدانها عصیان ورزید و در مورد چیزهایی سکوت کرده، نه چون فراموش کرده است، پس خود را در مورد آنها به زحمت نیفکنید (که این امر) رحمتی است از خدا بر شما (فراندا اصول شیخ انصاری باب براءت).

۱- در آیه ۷۴ از سوره انبیاء خداوند می‌فرماید: «و لوط را هم مقام علم و نبوت و حکم فرمایی عطا نمودیم و او را از شهری که اهلش به اعمال زشت می‌پرداختند نجات دادیم که آنان بسیار بدکار و فاسق مردمی بودند.»

بعضی از مفسران آیه ۱۶ از سوره نساء را ناظر به لواط دانسته‌اند ولی این قول چندان طرفداری ندارد.

برای روشن شدن موضوع به تفسیر مجمع البیان که سه نظر را در این مورد نقل کرده و تفسیر الکشاف که نظر یاد شده را با اشاره ضمنی به ضعف آن آورده است رجوع شود.

۲- نور/۳۷.

۳- نساء/۱۵؛ ممتحنه/۱۲؛ اسراء/۳۴.

۴- همان آیه از سوره ممتحنه.

۵- نساء/۹۶.

۶- این گونه کار بیشتر به تفسیر قرآن نزدیک است اما چون مفسر در کار خود عمدتاً برداشتهای فقهی را مورد توجه قرار داده، می‌توان آن را به نوعی آیات الاحکام تفقی کرد.

کتاب احکام القرآن که وسیله ابی بکر احمد بن علی الرازی الجصاص، متوفی به سال ۳۷۰هـ نوشته شده از این نوع تفاسیر است.

۷- کتابهایی چون فقه القرآن تألیف قطب‌الدین ابی الحسین سعید بن هبه اله الراوندی، متوفی به سال ۵۷۳هـ و کنز العرفان فی فقه القرآن تألیف جمال‌الدین المقداد بن عبدالله السیوری متوفی به سال ۸۲۶هـ

۸- فاضل مقداد -کنز العرفان فی فقه القرآن- ناشر کتاب فروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۴۳هـ ش، ج ۲، ص ۸۳-۸۲.

۹- مقدس اردبیلی: زیادة البیان فی احکام القرآن، ناشر کتاب‌فروشی مرتضوی، تهران، بی تا، ص ۳۶۷-۳۶۶.

۱۰- عبدالرحمن الجزیری الفقه علی المذاهب الاربعه، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶هـ ق، ج ۱، ص ۸۳-۸۱.

۱۱- شیخ طوسی، الخلاف، ناشر جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳هـ ق، ج ۱، ص ۱۱۰.

۱۲- در روایت آمده «آنچه خدا آگاهی بدان را از بندگان پوشیده داشته (حکم آن) از آنان برداشته شده است.» و یا در روایت دیگر از حضرت امیرالمؤمنین (ع) نقل شده که: